**چشم انداز روابط روسیه- ترکیه بعد از حادثه ترور آندری کارلوف**

در شرایطی که هنوز چند ماهی از عادی شدن روابط میان روسیه – ترکیه نگذشته است، حادثه ترور سفیر روسیه در آنکارا در هنگام مصاحبه مطبوعاتی در موزه هنرهای معاصر آنکارا بار دیگر زمینه را برای نگرانیهای سیاسی در خصوص روابط بین ترکیه و روسیه فراهم آورد.

بعد از ساقط شدن جنگنده روسی در خاک سوریه در دسامبر 2015، ولادیمیر پوتین آن را به عنوان خنجر دوستی تلقی کرد که از پشت زده شده باشد. همین تعبیر منجر به آن شد که روسیه در برابر ترکیه دست به اقدامات جدی بگیرد و در مدت کوتاهی با اعمال تحریمهای مختلف در زمینه اقتصادی، گردشگری، تجاری و حتی متوقف کردن پروژه های مهم میان دو کشور، فشار غیر قابل انتظاری را بر پیکره ترکیه وارد آورد.

بعد از حادثه شبه کودتای به وقوع پیوسته در ترکیه در ژوییه 2016 نخستین کسی که به خاطر همدردی با ترکیه و تقبیح حادثه کودتا در ترکیه اقدام نمود باز ولادیمیر پوتین بود که همین حرکت منجر به آن شد که ترکیه سریعاً پاسخ لازم را داده و ضمن ارسال نامه عذرخواهی در خصوص حادثه ساقط شدن جنگنده روسی، مراتب همدردی با خانواده را هم ابراز دارد.

متعاقب آن نخستین سفر رجب طیب اردوغان به روسیه بعد از بروز حادثه کودتای 15 ژوییه اتفاق افتاد. همین سفر زمینه را به رعایت ادبیات سیاسی منطقی میان ترکیه و روسیه فراهم آورد. بعد از آن به تدریج یخهای میان آن دو کشور رو به ذوب شدن نهاد و نتیجه این همراهی همانا همگرایی ترکیه با روسیه بر سر حل بحران سوریه و مبارزه جدی با پدیده تروریسم بود.

ناکفته نماند که ترکیه در چنگاچنگ مناقشات سیاسی و دیپلماتیک خود با روسیه، نتوانست حمایتهای لازم را از سوی متحدان غربی خود دریافت نماید و حتی در قضیه کودتا، عدم صداقت کشورهای غربی و به ویژه ناتو، دولت ترکیه را بر آن داشت که پلان جدیدی را در مناسبات سیاسی- اقتصادی خود با کشورهایی که حجم زیادی از زیر ساختهای اقتصادی- تجاری ترکیه را تشکیل می دهند، طراحی نماید. به طوری که علاقمندی به پیوستن به پیمان شانگهای، ایجاد بستر مناسبات معاملاتی به وسیله پول ملی، همراهی با ایران و روسیه در حل بحران منطقه ای و ... از این قبیل موارد بود.

ناگفته پیداست که ترکیه در ارتکاب به تنش در برابر روسیه دچار مشکل تحلیلی و ارزیابی دیپلماتیک شده بود. ترکیه از نظر امنیتی- سیاسی فاقد پتانسیل لازم در ادامه بحران دیپلماسی با روسیه است. از این رو برداشتن گامهای سریع در رفع مشکلات فیمابین میان روسیه و ترکیه دلیل اصلی در درک این واقعیات از سوی سیاسیون ترکیه بوده است.

اما با بروز حادثه ترور سفیر روسیه در آنکارا به توسط نیروی پلیس ضربت آن کشور بار دیگر نگاههای اندیشناک را به چشم انداز روابط بین دو کشور روسیه و ترکیه متوجه ساخت.

به راستی با این قضیه چه اتفاقی خواهد افتاد؟ آیا ترکیه و روسیه به راهی که مجدد آغاز کرده بودند، ادامه خواهند داد و یا این حادثه بسیاری از مناسبات میان دو کشور را تحت شعاع خود قرار خواهد داد؟

برای درک این قضیه باید به زوایای مختلف و ارزیابیهای گوناگون داخلی و خارجی توجه شود. رخ دادن حادثه ترور در قلب آنکارا و آن هم بر علیه سفیر یک کشور، خود نشان از فقدان قابلیت سیستم سیاسی- امنیتی ترکیه دارد. زیرا حضور مهاجم به نام مولود مرت آلتین داش در محل مصاحبه سفیر و رفتن به پشت سر وی و حتی وارد شدن او به محل نمایشگاه بدون گذر از دستگاههای ایکس- ری خود نشان از دو چیز دارد. نخست اینکه چنین حادثه ای با این شرایط یقیناً طرحی برنامه ریزی شده و عملیاتی هسته ای است. دوم اینکه عدم توجه به مسایل و جدی نگرفتن تردد در چنان محلی با وجود حضور سفیر که بسیار اهمیت دارد، نشان از ضعف جدی سیستم امنیتی- اطلاعاتی ترکیه دارد.

در این خصوص روزنامه واشنگتن پست با درج مقاله ای از هنری برکلی اشاره میکند که ولادیمیر پوتین از این قضیه نهایت بهره برداری را خواهد کرد. بنابه تحلیل این نشریه، دولت ترکیه در شرایطی که سخت ترین دوران سیاسی خود را در مناسبات خود با آمریکا و اروپا سپری می سازد، لازم بود که ترکیه در برابر روسیه نهایت دقت توجه را در زمینه های مختلف ارتباطی با روسیه مبذول دارد. اما این حادثه دست آنکارا را در برابر مسکو ضعیف کرد. لذا پوتین با تمام توان خود برای تحمیل خواسته های سیاسی خود به ترکیه بکار خواهد بست. چون یقین دارد که ترکیه بار دیگر مایل به بر هم خوردن مناسباتش با روسیه نمی باشد.

شرایط کنونی ترکیه از حیث بحرانهای اقتصادی، فرار نخبگان از کشور، تحت فشار بودن از سوی نهادهای مدنی و بین المللی، شکستهای پیوسته در سیاست خارجی، تضعیف جایگاه حزبی در درون جامعه ترکیه و ... از جمله مواردی هستند که حقیقتاً دولت اردوغان تا به امروز تجربه نکرده و انتظارش را نداشت. تمام اینها در شرایطی رخ میدهد که حزب عدالت و توسعه و شخص اردوغان تمایل دارد به هر نحو ممکن دست به تغییر قانون اساسی و گذر از سیستم پارلمانی به ریاستی بزند. مبرهن است که در چنین حالتی بروز تنش مجدد میان ترکیه و روسیه می تواند به طور کلی تمامی سیاستهای راهبردی و عملیاتی دولت را تضعیف نماید.

نمونه بارز ضعف سیاسی ترکیه را میتوان در اجلاس سه جانبه ایران، روسیه و ترکیه در مسکو دید. به طوری که تغییر رویکرد غیر قابل انتظار از ترکیه در خصوص ترجیح دادن راه حل سیاسی به جای راه حل نظامی، خود نشان از احتیاط سیاسی ترکیه دارد. علاوه از آن، پذیرش روند مبارزه با تروریسم به جای بر اندازی اسد و همچنین مبارزه قطعی با تمامی گروههای معارضه در سوریه بدون تفکیک آنان از دیگر موارد تغییر سیاست خارجی ترکیه در برابر روسیه دانست که می توان چنین تصمیمی را صرفاً برای اوج نگرفتن بحران میان آن کشور با روسیه تلقی کرد.

بدیهی است که ترکیه یکی از کشورهای مهم منطقه است که در برابر روسیه قادر به رقابت سیاسی- نظامی نیست. اما در برابر ایران هم خود را همطراز دانسته و تنها به تثبیت هژمونی خود در خاورمیانه می اندیشد. لیکن قرابت ایران- روسیه خود یکی دیگر از موارد بیم سیاسی ترکیه است که نمی خواهد به هیچوجه جبهه های جدید مناقشاتی را در شرایطی که هم از داخل و هم از خارج دچار بحران است، بگشاید.

چنین استنباطی را میتوان از اظهارات رجب طیب اردوغان بعد از بروز حادثه ترور برگرفت. وی با اذعان به اینکه ترور روسیه عملیات تحریک آمیزی بوده که در آستانه برگزاری اجلاس سه جانبه رخ داد و سعی می شود که بار دیگر ترکیه و روسیه در مقابل هم قرار گیرند.

وی نیز بسان سایرین عامل چنین تروری را منتسب به جریان فکری فتح الله گولن دانست ولی بر عهده گرفتن این عملیات از سوی گروهک جیش الفتح و همچنین رجز خوانی مهاجم در هنگام ترور سفیر در خصوص سوگند به جهاد که چنان سوگندی را وابستگان به جریان فکری اخوان ابراز می دارند، حاکی از آن است که در ورای این حادثه دست اندیشه اسلام رادیکال وجود دارد که در جامعه ترکیه در سالهای اخیر و با سیاستهای خطاآمیز دولت ادوغان رو به رشد گذاشته اند. همان جریان افراط گرایی که باعث شد ذهنیت سقوط دولت سوریه و همچنین برگزاری نماز جمعه در مسجد اموی بعد از یک هفته از شروع بحران در سوریه را به ذهن دولتمردان ترکیه رسوخ دهد.

به نظر میرسد این حادثه به سادگی خاتمه نخواهد یافت. زیرا سخنگوی وزارت خارجه روسیه با بیان اینکه موضوع به شورای امنیت ارجاع خواهد شد؛ نشان از آن دارد که علیرغم عدم تمایل ظاهری به دامنه دار نشدن بحران میان دو کشور از سوی دولتمردان، باز روسیه دست بالا را خواهد داشت. اعتراف آنی اردوغان به وقوع حادثه ترور و قبول بی قید و شرط پیشنهاد پوتین در به دست گرفتن عملیات بررسی و تحقیق حادثه از سوی کارشناسان روسی خود نشان از پیشتازی روسیه و تسلیم ترکیه دارد.

گفتنی است که در شرایط کنونی هم روسیه و هم ترکیه تمام همت خود را به این معطوف داشته اند که بحران سوریه در قلب خاورمیانه فیصله یابد. زیرا هزینه های گزاف آن از یکسو، تأثیرات نامطلوب در بر هم زدن امنیت سیاسی در منطقه از سوی دیگر موجب دغدغه فکری رهبران هر دو کشور است. اما آنچه که در دورنمای نزدیک میتوان به آن رسید اینکه روسیه برای مبارزه با تروریستها که غالب آنها در ترکیه سکونت دارند و یا تحت مداوا هستند، عزم جدی داشته و ترکیه را مقید به همکاری امنیتی و اطلاعاتی خود خواهد کرد. جنگی عیان نه تنها در سوریه که در داخل ترکیه نیز بر علیه تروریسم به وقوع خواهد پیوست و طبیعتاً تبعاتی نیز خواهد داشت. زیرا این استنباط را میتوان از سخنان مدودف نخست وزیر روسیه برگرفت که بعد از حادثه گفته است: "انتقام ترور سفیر کشورمان را از تروریستها خواهیم گرفت... روسیه مانع بازگشت تروریستها به روسیه خواهد شد."